

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۵ ه.ق - ده شب با دولت ظهور)

۱۴ آبان ۹۲

خطبه‌ی شب دوم

شکر پروردگار را که راه هدایت و نجات را منور به چهارده خورشید فروزان فرمود تا بندگان رستگار شوند ولی دشمن قسم خورده‌ی انسان، شیطان با کمک نفس سعی در گمراهی از این صراط را دارند. گاهی بت‌های ساخته شده‌ی دستانشان را برایشان می‌آریند و زمانی که پیامبران و اولیای الهی آنان را به جهلشان آگاه کرده و دین حق را به آنان عرضه می‌دارند و بت‌های سنگی از رونق می‌افتد تزویر و نیرنگ و نفاق را در قالب دین به میدان می‌آورند که تشخیص آن سخت‌تر و نجات از آن مشکل‌تر می‌شود. این ممکن نبود مگر به یاری کسانی که نفس جاه‌طلب و مکار دارند مانند راهبان یهود که تورات را دست نوشته کرده و خواسته‌های نفسانی خود را به نام دین حق به مردم عامی عرضه کردند و آنان باطل را حق تصور کرده و باور نمودند و این غفلت نیز بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام به اوج خود رسید و بیشترین تلاش امامان بزرگوار صرف چنین جهالتی شد؛ به طوری که در کربلا در مقابل اباعبدالله الحسین (ع) صفی از مسلمانان دروغین و مدعیان پایدار به رسالت پیامبر وجود داشت که به هنگام حرکت به طرف میدان الله اکبر می‌گفتند تا با نیروی پروردگار بر حق غالب گردند، می‌آمدند و در عذاب جهلشان می‌مردند و آن را پیروزی می‌پنداشتند ولی امام حسین (ع) در نهضت عاشورا نشان داد که اگر در همه‌ی دوران‌ها مسلمانان نمایانی در خرقه‌ی حق بیابند حاصل زندگی ننگینشان رسوایی چهره‌ی مکارشان خواهد شد. پس دست تمنا‌ی عاجزانه‌ی خود را به سوی امام عصرمان دراز می‌کنیم تا در شناخت حق و باطل ما را یاری فرمایند تا با حق که وجود منور و مقدس ایشان است دنیا و برزخ و قیامت و ابدمان را روشن کنیم.

حال به اذن الله و به اذن رسول الله و به اذن مولایمان امام زمان (عج) خطبه‌ی امشب را می‌خوانیم:

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### خطبه‌ی شب دوم

کهیصص؛

سلام بر زکریا؛ پرچم‌دار توحید در زمان غربت رسالتش؛ تنها در میان قومی فتنه‌گر قومی که مدعی بودند تورات را در بطن جانسان به ودیعه دارند؛ همان‌هایی که پروردگار عالم از آنان به‌عنوان قوم ظالم و قاتل انبیا نام می‌برد؛ در زمان غربت حق، پیامبر پشت آن می‌ایستد و اعلام می‌دارد: شما قوم یهود، مشتی خوار و بیچاره‌اید که شیطان توراتش را بر شما عرضه داشته و شما مبلغان دروغین توحید را بر کرسی خلافتش نشانده است. افسوس بر تماشاگرانی که تمام دوران‌ها شاهد پیروزی حق‌اند ولی جان حقیرشان از آن می‌گریزد تا چند صباحی مدح‌گوی باطلی باشد که جز نابودی مشیت دیگری ندارد و امروز ما قوم آخرالزمان میراث‌دار غربت‌های جان‌های مطهر به میدان آمده‌ایم. توحید را پذیرفته‌ایم و یکتاپرست هستیم؛ امامت را در تداوم برپایی آن به گواه گرفته‌ایم؛ مدالی در سینه داریم که مرتباً دستانمان را برای نوازشش دراز می‌کنیم؛ این چه مدالی است که این‌گونه شیرین است؟ طعمش را چه کسی القا نموده و چرا؟ آیا برزخمان به آن مرتبط است و یا تنهایی قبری که بارها برای تماشای آن به گورستان رفته‌ایم؟ دلیلش را نمی‌یابیم هر چه هست دوستش داریم پس زکریا ما را می‌خواند: دوستان من، ساعت‌ها در بیت‌المقدس می‌نشستم به تماشای مردمی که برای حق و حق‌طلبان به شیون نشسته بودند؛ این چه اسراری است که زمان در سینه‌ی خویش ذخیره می‌کند تا **أناسٌ بامامهم** را به نمایش درآورد؟ همان‌گونه که من پرده‌ی قدس را گرفتم تا وارثی داشته باشم، پسر پیامبر آخرالزمان حضرت اباعبدالله الحسین پرده‌ی کعبه را می‌گیرد تا زمان را وارث خویش سازد و شما شیفتگان این حقیقت شیرین به دنبال درک این ارث عظیم در حرکتید پس شکر پروردگارم را که انبیا را وارثان حقیقت توحید خواند.

چه گفت و گوی با عظمتی! درک و توان جانی قادر به حل این تبادل باشکوه است که در میراث جانش نامش را بنده بخواند و جز آن نامی را نشناسد.

ساعات غریبی در عمرمان در حرکت است؛ زمان، جانمان را در شهود حقیقت حرکتی قرار داده که فرار از آن ممکن نیست پس به دنبالش می‌دویم: ای سرور و مولای ما دستمان را رها نکن تا با دست مبارکتان نوحه‌ی مولایمان را بخوانیم، نامش را فریاد کنیم، غربتش را در رگ‌هایمان حس کنیم و اول محرم را بر سر سفره‌ی با برکتش مهمان شویم و فریاد کنیم: ای پروردگاران فرجی در جانمان تمنای ماست.  
باز بخوانیم:

**اللهم عجل لولیک الفرج**